

# الباب التاسع و العشر من الواحد الخامس في بيان ان المثقال...

حضرت باب

اصلى فارسى



ORIGINAL



AUDIO

الباب التاسع و العشر من الواحد الخامس في بيان ان  
 المثقال تسعة عشر حمص و ان بها تسعة عشر حمص من  
 الذهب عشرة الف دينار و بها تسعة عشر حمصا من الفضة  
 الف دينار و من يصغر لم يكن عليه شيء و من لم يكمل  
 عنده عليه الحول و لم يبلغ مقدارهما على عدد حروف الطا  
 حين اخذ الها خمسمائة و اربعين مثقالا فمثل ذلك فاذا بعد  
 ذلك من كل مثقال ذهب خمس مائة و من الفضة  
 خمسين يؤتى ملك البيان ان لم يتجاوز حدوده و ماله ان  
 يسئل الا ان يأتي من يقدر لعل بذلك ينصر "من يظهره  
 الله" و يكونن بذلك من الشاكرين.

ملخص این باب آنکه خداوند بوده خالق خلق و ملک خود و از اینکه ملک او در نزد غیر موحد نباشد اذن داده بر اینکه کل بکسی که والی ایشان است در نصرت دین ایشان هرگاه یک حول گذشت و مقدار آن از پانصد و چهل مثقال گذشت و واحدی مصغر نشد برید مؤمنی که بنورده قسمت رسیده باشد بر اینکه از هر مثقال ذهب که نورده نخود می باشد پانصد دینار و از هر مثقال نقره که نورده نخود است پنجاه دینار بملک بیان داده شود لعل در یوم ظهور "من يظهره الله" از بحر جود او مستغنی گشته و بر او حزنی وارد نیورد اگرچه بنفسی اقرب کل بخود او باشد

و این از حقوق الله بوده از برای "من يظهره الله" که در آن سر قاف نزد اولوالالباب مشهود است ولی از برای منتظرین ظهور خود اذن داده لعل در آنوقت حزنی بر او وارد نیاید و مضطر نگردد که از حدود الله تجاوز نماید و نفسی از اون محزون گردد چه آنکه در بیان هیچ عبادتی نزد خداوند محبوب تر نبوده از نفع نفسی بنفسی اگر

چه بادخال سروری در قلب او باشد و هیچ عملی ابعد تر نبوده بضر نفسی نفسی را اگرچه بادخال حزنی در قلب او باشد

نه این است که با اسم او کنند آنچه میکنند و یوم ظهور او اسمش را احتیاط گذاشته و در تصدیق او تأمل کنند مثل آنکه امروز آنچه ما علی الارض است با اسم همان مشیت اولیه که در هر ظهوری با اسم نبی آن ظهور ظاهر گشته میکنند آنچه می کنند ولی ظاهر است در این ظهور که کل ظهورات نزد او شبیحی است چه واقع شد بلکه آنچه ضر از منسوبین بظهور قبل او ظاهر گشت از منسوبین بظهور قبل او نگشت اگر آنها تصدیق نکرده ضری هم بر شیعیان او وارد نیاورده ولی از مدعیان انتساب ظهور قبل او ظاهر است

و اگر کل عدالت او را مشاهده نمایند شبهه نیست که در اطاعت معبود خود مؤمنین بحق ادای تکلیف خود را خواهند نمود اگر چه در این ظهور بر خیط رضاء الله حرکت کند از فتح ما علی الارض مستغنی میگردد که بر مستظلمین در ملک خود منت گذارد و از حقوق الله بر ایشان عفو فرماید زیرا که اینقدر از برای خداوند ما علی الارض بوده وهست که اگر کل در نصرت او قدم گذارند کل مستغنی شوند

و اذن داده شده که مقدار هر مثقال ذهب نوزده نخود گردد و همچنین فضه و بهاء هر دو با آنچه ظاهر است امروز و اگر خواهند صرف نمایند هر یکی را بنوزده صرف شود که بر ایدی مؤمنین بیان غیر فضه و ذهب متقلب نگردد تا آنکه کل در سعه فضل حق شاگرد گردند و در این حکم اسرار حکمت نزد اولوالافئدة محزون گشته که اگر کسی از روی بصیرت نظر کند کل اسرار توحید را بعین یقین مشاهده میکند

و در حینی که هیچ اخذ نشده حدها را در مقام خود در جایی که بیان قاف شده در ظل ما یستحق داخل آورده اگر چه از برای تجار در این حکم در بهاء ذهب و فضه امروز نقصی ظاهر است ولی بعد از جریان مرتفع میگردد و اگر بر ذمه کسی بوده یک قران بر او است که بیست و هشت نخود دهد نه بهاء آنرا و همچنین در ذهب بیست نخود دهد نه بهاء آنرا الا آنکه بهمین بیع و شری شود

کل اینها از برای این است که نفسی در سبیل حق محزون نگردد در یوم ظهور آن لعل در حین ظهور امری واقع نشود که خلق نار گردد در نفسی که در بیان حکم ایمان بر آنها میشده و الله یهدی من یشاء الی صراط حق یقین هیچ جنتی از نفس عمل باو امر الله اعلی تر نبوده نزد موحدین و هیچ ناری اشد از تجاوز از حدود الله و تعدی نفسی بر نفسی نبوده اگر چه بقدر خردلی باشد در نزد عاملین بالله و آیات او

و الله یفصل یوم القیمة بین الكل بالحق و انا کل من فضله سائلون.

